

به نام آفریننده ی کوه های استوار و رودهای روان و دشت های گسترده

گزارش برنامه تنگه واشی

تنگه واشی یا تنگه ساواشی مکانی با جاذبه های گردشگری است که در حدود ۱۷ کیلومتری شهر فیروزکوه قرار دارد. کلمه «واش» در زبان گیلکی به معنای «چمن» است.

این مکان شامل دو تنگه است که تنگه اول به «واشی» و تنگه دوم به «سا» معروف است. در انتهای تنگه دوم آبشاری با ارتفاع ۱۵ متر قرار دارد. مسیر پیاده روی از ابتدای تنگه اول طی سه بخش انجام می شود:

بخش اول: مسیر تنگه اول تا ابتدای دشت ساواشی (حدود ۲۵۰ متر)

بخش دوم: راهپیمایی دشت ساواشی (حدود ۱۷۰۰ متر)

بخش سوم: مسیر تنگه دوم تا رسیدن به آبشار (حدود ۸۰۰ متر)

برای رفتن به تنگه ساواشی در کیلومتری ۲ جاده فیروزکوه-تهران، پس از ورود به یک جاده فرعی و طی ۱۰ کیلومتر روستای جلیزجند نمایان می گردد. این روستا در حاشیه یک دشت سرسبز با مزارع گندم و سیب زمینی و باغات مختلف بنا شده است. بعد از عبور از روستا و طی ۴/۵ کیلومتر در جاده ای که میان دشت و در کنار جوی های پر از آب زلال، احداث شده، محل پیاده روی تنگه ساواشی شروع می شود .

بعد از عبور از تنگه اول و گذر از دشتی زیبا، تنگه دوم قرار گرفته که حدود ۲ کیلومتر با تنگه اولی فاصله دارد. این تنگه هم مانند تنگه اول چشم نواز است و از دیواره های سنگی آن در نقاط مختلف چشمه های آب زلال و خنک به سمت پایین روان است .

شرح گزارش:

صبح ۲۰ تیر ماه ۹۷، یعنی پنجشنبه ساعت ۷:۰۰ صبح با تعداد ۳۵ نفر از دانشجویان خانم راهی سفر شدیم. صبحانه ساده اما دلچسپی شامل چای داغ و نان و پنیر و خرما را داخل ماشین میل کردیم. از تهران پر دغدغه که خارج شدیم، کم کم به مناظر زیبا و دشت ها و تپه های سرسبز نزدیک تر شدیم. حدودا ساعت ۱۰:۳۰ بود که بعد از گذشت از روستای کوچک منطقه، به مقصد رسیدیم و مسیر طولانی ۳ ساعته پایان یافت. وسایل هایمان را برداشته و حرکت کردیم. بعد از توقف چند دقیقه ای کنار چشمه و استفاده دوستان از سرویس های بهداشتی و خرید دمپایی برای عبور از رودخانه و کلاه آفتابگیر و ... به سمت تنگه معروف راه افتادیم.

جمعیت زیادی از مناطق مختلف با خانواده و دوستانشان برای تفریح به این منطقه آمده بودند.

وای یادش بخیر چه آب سردی !

هنگام عبور از رودخانه اولین و دومین گام را که داخل رودخانه گذاشتیم پاهمون یخ زد، بعضی از فرط هیجان و احساس یخ زدن پاهایشان توی آب جیغ می زدند و با لذت عبور می کردند. صدای خنده و شادی همه در فضای تنگ و بین دو دیوار سنگی بلند دو چندان می پیچید.

رود کم کم عمیق تر می شد و آب تا زانو ها می رسید . گاهی کم عمق و گاهی عمیق ! زیر پاها پر از سنگ های ریز و درشت بود. باید شش دنگ حواسمان به جای پاها می بود تا از محکم بودن زمین و سنگ زیر پا مطمئن می شدیم تا توی اون آب سرد نمی افتادیم. کمتر از یک دقیقه پاها به سردی آب عادت کرد و به تعبیری بی حس شد. حرکت ما در خلاف جریان آب بود. گاه امواج تند تر می شد و گاه آرامتر.

رودخانه بین دو دیوار سنگی بلند زیبایی که نمایانگر قدرت بی حد خداوند است قرار داشت. در مسیر کتیبه ای با عظمت روی یک سمت دیوار توجه همه را به خود جلب می کرد که یادگاری از ایرانیان هنرمند و توانگر سالیان دور را به رخ ایرانیان مدعی عصر امروز می کشید ، که چطور بین مسیر آب خروشان رودخانه بین دیوارهای قامت کشیده سخت با کمترین امکانات، کتیبه ای با آن ارتفاع و عظمت را خلق کرده اند! جمعیت مشغول گرفتن عکس های یادگاری در کنار کتیبه بودند و ترافیکی ایجاد شده بود که حرکت ما را کند می کرد.

بعد از گذشت حدود یک ساعت نوری از دور چشم ها را خیره کرد. بله خشکی! به قول دوستان، بالاخره به خشکی رسیدیم!

از تنگه که خارج شدیم به دشت وسیع و سرسبزی رسیدیم. بعد از کمی استراحت، راهی تنگه دوم شدیم.

دشت های سبز و پرگل اطراف همچون دامن سبزی گسترده بود که با گل های سفید و بنفش نقاشی شده بود . صخره های سنگی که روی قله سنگ هایش یک در میان گل سنگ آبی رنگی روئیده بود و همچنین گاه در اوج ناباوری رویش گیاهی سبز در وسط تخته سنگ ها، صخره های سنگی را چندرنگ کرده بود که فوق العاده چشم نواز بود. نهار در این محیط زیبا صرف شد.

بعد از حدود یک ساعتی بعد از گذشتن از تنگه ساواشی، به آبشار ساواشی رسیدیم. آب پرقدرت و پرفشار از روی سنگ های مرتفع به حوضچه پرآبی می ریخت .

مسیر آمده از تنگه را برگشتیم و دوباره با داخل شدن پاها به درون آب یخ جیغ ها به هوا برخاست و ...

حدود ساعت ۱۷ وسایل نقلیه راهی تهران شدند و در نهایت ساعت ۲۰:۳۰ در دانشگاه پیاده شدیم.

برگزاری این برنامه ی خوب حاصل تلاش و همکاری مسئولان محترم تربیت بدنی دانشگاه با انجمن کوه نوردی دانشجویان دانشگاه است. در اینجا از همه ی آنها به ویژه جناب آقای دکتر رستگار و آقایان فلاح، فرج اللهی و مربی گرامی مهندس نصیر علیزاده صمیمانه تشکر کنیم.